

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

گزارشگران پورتال – افغانستان

۱۶ اگست ۲۰۱۱

در افغانستان چه می گذرد؟

(۱۲۳)

چینوک نیز در افغانستان تکه و پاره می شود:

هلیکوپتر های چینوک یکی از ابزار قدرت مند امپراتوری جهانی در جنگ های استعماری به حساب می رود. جنایتکاران امریکائی تا اکنون بیشتر از ۱۱۷۹ فروند این طیاره ها را تولید کرده اند که دارای دو ماشین و سرعت آن در هر ساعت ۳۱۵ کیلومتر می باشد.

این طیاره ها که در سال ۱۹۶۰ توسط بوئینگ ورتول دیزان شده، از هلیکوپترهای جنگنده استعماری امریکائی بود که در ویتنام به پرواز می آمد و قطاری از کشته های خلق قهرمان ویتنامی را روی زمین به جا می گذاشت. در جنگ استعماری ویتنام در حدود ۷۵۰ هلیکوپتر چینوک شرکت کرده بود که از جمله مردم قهرمان ویتنام به گفته زنده یاد خسرو گل سرخی شاعر انقلابی ایران، پوزه ۲۰۰ فروند آنها به خاک مالیدند، و اکنون در جنگ استعماری افغانستان نیز پوزه چینوک به خاک مالیده می شود و این "زیبائی" جنگ استعماری با سربازان نیروهای خاص امریکائی و افغان تکه و پاره می شود. در سال ۲۰۰۵ در کنر یک فروند چینوک سقوط کرد که ۱۶ سرباز اشغالگر در آن کشته شد و در این اواخر یک فروند دیگر چینوک نیز در سید آباد میدان وردک سرنگون ساخته شد. جنرال جان الن قومندان نیروهای امریکائی در افغانستان گفته است که امریکا در سال گذشته میلادی بیش از ۲۰۰۰ عملیات شبانه مشابه را انجام داده است و باری اول است که با چنین حادثه ای روبرو شده است.

قابل تذکر است که اسطوره ها، با آنکه امکان دارد حقیقت نداشته باشند و فقط افسانه ای بیش نباشند ولی از روند تاریخی یک جامعه آب می خورند و مردم از آن برای پویائی در عرصه های گوناگون و به ویژه مبارزات استقلال طلبانه و ضد استبداد استفاده می کنند. اما چرا جنایتکاران امریکائی از اسطوره ای که پیامش فقط محبت و گرمی و زندگی و زایش است، برای ابرازی استفاده می کنند که پیامش دشمنی، سردی، مرگ و نابودی است. این از خاصیت ماهوی امپریالیزم ناشی می شود، امپریالیزم به خاطر یورش بر کشورهای دیگر همیشه تلاش می ورزد که

کلمات زیبا و ارزش های "زیبا" را علم کند، مثل حقوق بشر، دموکراسی، حقوق زن، آزادی، پلورالیزم، پیشرفت و توسعه، آزادی فردی و منطقاً باید بر وسیله کشتار نیز از چیزهای مقبول استفاده به عمل بیاورد که نمونه خوب آن همین نام چینوک برای وسیله کشتار خلق های جهان است.

بهتر خواهد بود برای خوانندگان عزیز پورتال در مورد چینوک و اسطوره آن معلومات ارائه گردد تا خود به منطق این نامگذاری بهتر پی ببرند: لغت چینوک با افسانه ها و اسطوره ها گره خورده است. می گویند دختری زیبا، خونگرم و بی قرار سرخپوست، به نام "باد چینوک"، در سواحل اقیانوس آرام به عشقش گلاسیه رسید و آرام گرفت. سرخپوستان قبیله چینوک که امروز در سواحل دریای کولمبیا در نزدیک اقیانوس آرام زندگی می کنند، خود شان را ادامه دهنده آن عشق و گرما، محبت و شجاعت مادر شان "باد چینوک" می دانند.

در عین زمان واژه چینوک از جریان بادهایی که در غرب امریکای شمالی، دشت ها و علفزاران سبز کانادا می وزند، گرفته شده است. بادهای چینوک گرم و با خود زندگی، گرما و زایش را می آورند. یک موج سریع بادهای چینوک می تواند یک متر برف را از بین برده، ذوب کند.

جنایت مرزی نمی شناسد:

ایالات متحده امریکا به حیث جنایتکارترین کشور جهان با حامیان جهانی اش به خاطر سندهای ستراتیژیک شان در منطقه ما، حاضرند به هر جنایتی تن بدهند. افغانستان که اکنون به کشتارگاه جهان تبدیل شده است، نقطه مرکزی این جنایت به شمار می رود ولی در عین زمان این جنایتگستران آنطرف مرز را نیز آماج جنایات شان قرار می دهند. در این اواخر یک مرکز ژورنالیزم در لندن بررسی را در مناطق قبایلی پاکستان انجام داده است که بر بنیاد آن بیشترین قربانانیان حملات هوایی امریکائی ها در این مناطق زنان و کودکان هستند. از سال ۲۰۰۴ تا اکنون در مناطق قبایلی بیشتر از دو هزار و ۲۹۲ نفر ملکی (همان زحمتکشان این مناطق) در حملات وحشیانه طیاره های بی پیلومات امریکا کشته شده اند که بیشترین آن را زنان و کودکان می سازند.

به اساس یافته های این مرکز تحقیقاتی، تعداد حملات طیاره های بی پیلوت در دوره بارک اوباما رئیس جمهوری کنونی ایالات متحده امریکا که ساده لوحان سیاسی و عناصرخود فروخته برخاسته از جنبش چپ در همسویی با نوکران زرخرید امپریالیزم بر وی قبا "فرشته نجات" می خواستند بپوشانند، افزایش یافته و به ۲۳۶ مورد رسیده است که در این حملات در حدود ۱۸۲۴ نفر غیر نظامی کشته شده اند.

چهار میلیون نفر بیکار:

معاونیت امور جوانان وزارت پوشالی اطلاعات و فرهنگ اداره مستعمراتی کابل می گوید که در حال حاضر ۴ میلیون افغان واجد شرایط کار در کشور بیکار هستند و اکثریت آنها را جوانان تشکیل می دهند. جوانان به اساس برآورد سازمان ملل متحد ۷۰ درصد نفوس کشور را می سازد.

از آنجائی که افغانستان با هدایت امپراتوری جهانی اقتصاد بازار را تجربه می کند و در این نظام فقط منافع ثروتمندان در نظر گرفته می شود، پس، منطقاً منافع مردم زحمتکش پشیزی ارزش نداشته و این چپاولگران مافیائی – سیاسی سود پشت سود می برند و گاهی فقط در یک معامله بیشتر از یک میلیارد دالر را به جیب می زنند، که نمونه خوب آن افتضاح مالی – سیاسی کابل بانک می باشد.

وقتی نیروی جوان یک کشور کار نداشته باشد و پشت کار سرسرگردان بگردد و مرز ها را پشت سر بگذراند و گاه توهین پولیس پاکستان را متحمل شود و گاه هم تل سیاه و لت و کوب آخوندهای ایرانی را ببیند و در داخل کشور نیز قربانی قتل های عام دسته جمعی ناتو، سربریدن ها و حملات انتحاری طالبی و ظلم و تعدی جنایت سالاران جهادی گردند، یگانه را بهروزی و نجات آنها آن است ، تا به ندای تشکلات انقلابی پاسخ مثبت داده و خود را برای تغییر رادیکال جامعه آماده سازند، نه این که به دنباله روی از چپ نماها به درگاه یوناما سر زده و یا هم به سراب احزاب علنی و داد خواهی های مضحک شان دل خوش نمایند.

۴ میلیون کودک محروم از آموزش:

در افغانستان هر دوزخی که بر پا می شود، اکثریت مطلق قربانیانش را از طبقات زحمتکش می گیرد. مواد مخدر، انفجار و انتحار، بمبارد امریکائی ها و ناتوئی ها، تجاوز جهادی ها، چورو چپاول جنایت سالاران، و.. دوزخ هائی اند که امپراتوری جهانی در افغانستان ایجاد کرده است و در این دوزخ تنها زحمتکشان اند که می سوزند. اکنون وزارت پوشالی معارف اداره مستعمراتی کابل می گوید که در افغانستان بیشتر از ۴ میلیون کودک از حق آموزش و تعلیم محروم هستند، این وزارت دلیل آنرا ناامنی در مناطق خاص افغانستان دانسته است. به اساس گزارش این وزارت در حال حاضر ۴۵۰ باب مکتب در سطح کشور مسدود می باشد، که از این میان تنها ۱۵۰ آن مربوط به ولایت زابل است. اینکه این ناامنی چگونه شکل گرفته است و کی ها در این خیانت به کودکان افغانستان مقصر اند، واضح و روشن است. وقتی دولت پوشالی باشد و کشور هم مستعمره و ماهیت جنگ ارتجاعی، منطقاً این زحمتکشان اند که بیشترین قربانی را می دهند. در چنین جامعه ای که نشانه ای از خدمت به مردم در ضمیر دولتمردان و حامیان شان وجود ندارد، کودکان و فرزندان زحمتکشان کسانی اند که از همه حقوق خود محروم می باشند و تلاش صورت می گیرد تا این نونهالان را با روحیه تحکم پذیری، تطمیع، گدائی، ناآگاهی و تسلیم طلبی بار بیاورند.